

دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه و حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین شهروندان^{۲۱}

نیکلای وی. ویتروک^۳

ترجمه: جواد کارگزاری^۴

چکیده

این مقاله موضوع هایی مانند مبانی قانونی ایجاد دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه، وظایف و اختیارات دادگاه مزبور در حوزه حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین شهروندان و نیز مشکل هایی که این دادگاه در رسیدن به جایگاه واقعی خود پیش رو دارد را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. نویسنده با استفاده از یک رویکرد ترکیبی و استناد به رای های صادر شده از سوی دادگاه مزبور سعی در بدست دادن درک و تصویر روشنی درباره ابعاد مختلف نقش و اهمیت دادگاه قانون اساسی در نظام کنونی قانون اساسی روسیه دارد.

کلید واژه ها: حقوق و آزادیهای بنیادین، دادگاه قانون اساسی، حقوق بشر.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۱۲/۶

^۲The Constitutional Court of the Russian Federation and the protection of the (constitutional) fundamental rights and freedoms of citizens, Paper by Mr. Nikolai V. VITROUK , in "The Protection of Fundamental Rights by the Constitutional Court", Brioni, Croatia, 23- 25 September 1995, Council of Europe Publishing 1996, pp. 284-293.

^۳Nikolai V. VITROUK

^۴ دانشجوی دوره اول دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

این واقعیت که حقوق بشر و شهروند مورد احترام بوده و حمایت می شوند نشان بارزی از اصل حاکمیت قانون اساسی، و اصل حاکمیت قانون بطور کلی، در جامعه و کشور است.

روشن است که تمامیت خواهی منکر چندگونگی سیاسی عقیدتی بود و حقوق شهروندان را در زیر عنوان منافع کشور، جامعه و اجتماع محدود و تحریف می کرد. از این رو فروپاشی نظام های تمامیت خواه در کشورهای کمونیست سابق، قبل از هر چیز، زمینه ای برای تأسیس با ثبات اصلی در قانون اساسی درباره تقدم و برتری حقوق بشر و آزادی ها بر دیگر ارزش های جهانی، اصلاح بنیادی ساز و کار حقوقی حکومت در جهت تضمین و حمایت این حقوق و آزادی ها، و ایجاد نهادهای جدید برای نظارت و حمایت از حقوق بشر (برای نمونه آمبودزمان حقوق بشر) می باشد. دادگاه های قانون اساسی نقش ویژه ای در حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین بشر و شهروندان کشورهای تمامیت خواه سابق ایفاء می کنند.

در روسیه دادگاه قانون اساسی در سال ۱۹۹۱ براساس تفسیرهای ۱۵ دسامبر ۱۹۹۰ و ۲۴ می ۱۹۹۱ اصل ۱۱۹ قانون اساسی جمهوری فدرال روسیه^۱ پایه گذاری شد.

این دادگاه تا ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳ با قانون جمهوری فدرال روسیه راجع به دادگاه قانون اساسی جمهوری فدرال روسیه اداره می شد.

قانون اساسی جدید فدراسیون روسیه، که در همه پرسی ۱۹۹۳ مورد تصویب قرار گرفت، اعضاء و اختیارات دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه را تعیین کرده است، که در حال حاضر بوسیله قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه" که در ۲۳ آگوست ۱۹۹۴ به اجرا درآمده است، اداره می شود.

هدف دادگاه مزبور تضمین حمایت از حقوق و آزادی های اساسی شهروندان روسیه، و دیگر اشخاص حقیقی، در صورت درخواست می باشد. اما دلایل و جریان رسیدگی موضوع هایی از این دست بر طبق مقررات قانون اساسی جمهوری فدرال روسیه و قانون اساسی ۱۹۹۳ فدراسیون روسیه و مقررات قوانین مشابه دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه متفاوت است.

بر طبق مقررات قبلی دادگاه قانون اساسی می توانست به درخواست شهروندان و اشخاص حقوقی مربوط، دعاوی راجع به انطباق شیوه اجرای قانون با قانون اساسی را هنگامی که تصمیم مورد استیناف ماهیت مرسوم یا تکرار شونده ای را در رویه حقوقی کسب کرده باشد بررسی کند. در عین حال، دادگاه قانون اساسی می توانست دعاوی یکسان را در یک دادرسی واحد جمع کرده و آراء مشابه اش را به دعاوی یکسان بعدی تعمیم دهد، بدین طریق از هر لحاظ

^۱R.S.F.S.R

جلوی رویه مخالف با قانون اساسی، حتی هنگامی که رویه مزبور ریشه در قانون داشت، گرفته می شد (تا لغو قانون متجاوز).

مزایای این شیوه رسیدگی برای بررسی پژوهش خواهی های شهروندان، در امکان پژوهش خواهی علیه اعمال قانونی دادگاه و نهادهای حکومتی، نه تنها بر اساس قانون نافذ و معتبر، بلکه همچنین بر اساس فقدان و عدم هیچگونه قانون حاکم بر این یا آن جنبه از حقوق اساسی شهروندان می باشد.

دادگاه قانون اساسی در سالهای ۱۹۹۲-۳، ۸ درخواست پژوهش خواهی شهروندان را مورد بررسی قرارداد و اعمال و رویه های زیر را در فدراسیون روسیه مخالف قانون اساسی اعلام نمود: اخراج کارگران هنگامی که به سن بازنشستگی می رسند، این عمل تبعیض آمیز تلقی می شود (رای ۴ فوریه ۱۹۹۲)؛ اعمال محدودیت بر پژوهش خواهی از اخراج غیر قانونی؛ بکاربردن مجازات های انضباطی^۱ درباره مقامات قضایی؛ خلع ید از غاصب با مجوز دادستان عمومی بدون حق پژوهش خواهی از آن عمل، این عمل به نظر محدود کننده حق دفاع قانونی شهروندان می باشد (آراء ۲۳ ژوئن ۱۹۹۲، ۵ فوریه و ۱۶ فوریه ۱۹۹۳)؛ محدود کردن جبران خسارات افراد دوباره به کار گماشته شده بدنبال اخراج غیر قانونی، که استحقاق مطالبه آن را دارند (رای ۲۷ ژانویه ۱۹۹۳).

دادگاه قانون اساسی با تصدیق قانونی بودن درخواست شهروندان مبنی بر اینکه دولت تعهداتش را درباره چکهای ویژه برای خرید خودروهای سواری و همچنین راجع به شاخص گذاری^۲ درآمدهای شهروندان و پس اندازهای نقدی انجام دهد، اصل برابری میان دولت و شهروندان در روابط قراردادی را تأیید و ابرام نمود (آراء ۹ ژوئن ۱۹۹۲ و ۳۱ می ۱۹۹۳).

این آراء دادگاه قانون اساسی ارزش اصول قانون اساسی را دارند. این آراء بر عدم انطباق پرداخت دیر هنگام حقوق ماهیانه، حقوق بازنشستگی و دیگر تکالیف مالی، و قصور دولت در احترام و پایبندی به تعهداتش در قبال شهروندان راجع به چکهای ویژه، تضمین های بازنشستگی و دیگر اعتبارات، شاخص بندی پس انداز نقدی و مبالغ بیمه شده و جبران خسارات مادی با قانون اساسی مهر تأیید می زنند.

دادگاه قانون اساسی، بطور کامل، هماهنگ با مقررات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون اساسی روسیه، فعالانه از حقوق و آزادی های سیاسی شهروندان روسی، درخصوص راه اندازی جنبش ها و احزاب سیاسی، آزادی بیان و آزادی مطبوعات و حق همه پرسى دفاع کرده است (آراء ۳۰ نوامبر ۱۹۹۲؛ ۱۲ فوریه ۱۹۹۳؛ ۲۰ و ۲۱ آوریل ۱۹۹۳؛ ۹ و ۲۷ می ۱۹۹۳).

در میان کوتاهی ها و کاستی های شیوه دادرسی سابق برای رسیدگی به پژوهش خواهی افراد، باید توجه شود که با وجود اذعان به ماهیت غیر قانونی (غیر منطبق با قانون اساسی) کاربرد صرف بعضی از قوانین (که درحکم

^۱disciplinary sanctions

^۲indexation

تصدیق غیر قانونی بودن خود قوانین است)، دادگاه قانون اساسی فاقد قدرت لغو قوانین مزبور یا هر قانون دیگری است، لغو آنها حق انحصاری هیأت های قانونگذاری است که در وهله نخست آنها را تصویب کرده اند. پیامد و نتیجه این عمل به تأخیر انداختن لغو مقررات نافذ و معتبر ناهمساز با قانون اساسی است (هیأت های قانونگذاری مربوطه همچنین ممکن است رأی دادگاه قانون اساسی را فراموش کنند و بدین ترتیب خود در مقابل قوه قضائیه قرار بگیرند).

فقدان قدرت لغو قانون مخالف با قانون اساسی تفسیر مفهوم "طبیعت عادی" شیوه ای که در آن قانون اجرا می شود را مشکل ساخته و منجر به تعارض و عدم اطمینان قانونی می شود: درحالی که آراء دادگاه قانون اساسی اعمال قانون معتبر و نافذ را غیر قانونی اعلام می کند، دادگاه عادی، با وجود این واقعیت که مقررات قانون اساسی بر قوانین عادی تقدم و برتری دارند، مجبور به ادامه اجرای قانون مزبور تا زمان لغو آن می باشد. قانون اساسی جدید فدراسیون روسیه و قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه" تغییراتی را درباره نظریه و شیوه حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین شهروندان بوجود آورده اند.

بر طبق پاراگراف ۴ اصل ۱۲۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه، دادگاه قانون اساسی به محض دریافت شکایت درباره نقض حقوق و آزادی های اساسی شهروندان، قانون اعمال شده یا اعمال شونده در یک دعوی خاص را از جهت مطابقت با قانون اساسی بر طبق آیین دادرسی ایجاد شده توسط قانون فدرال مورد بررسی قرار می دهد. قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه" (بخش ۷، ماده ۹۶-۱۰۰) بیان می کند که شکایت ها از نقض حقوق و آزادی های اساسی بوسیله قانون ممکن است "فردی یا جمعی" باشد؛ شکایت ممکن است توسط شهروندانی که حقوق و آزادی شان بوسیله قانون زیر پا گذاشته شده است، و نیز همچنین بوسیله سندیکاهایشان و دیگر افراد و نهادهای مذکور در قانون فدرال صورت بگیرد.

در صورتی که دعوی نقض حقوق و آزادی های اساسی شهروندان بوسیله قانون، به دادگاه قانون اساسی ارجاع شود، دادگاه یا دیگر هیأت بررسی کننده دعوی ویژه ای که در آن قانون ناهمساز (مخالف قانون اساسی) اعمال گردیده یا قرار است اعمال گردد گردش کار را تا تصمیم گیری دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه معلق می کنند (پاراگراف ۲ اصل ۹۸ قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه").

اگر دادگاه قانون اساسی قانونی را یا موارد خاصی از مقررات آن قانون را ناهمساز با قانون اساسی فدراسیون روسیه تشخیص داد، آن قانون یا مقررات بی درنگ پس از حکم دادگاه قانون اساسی بی اثر می شود و دعوی خاصی که در ارتباط با آن، مطابقت قانون با قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفت بوسیله قاضی مزبور یا هیأت صالحه دیگر، بر طبق مقررات عمومی قانون مزبور مورد بازنگری قرار می گیرد (پاراگراف ۴ اصل ۱۲۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه، پاراگراف ۳ اصل ۷۹، پاراگراف ۲ اصل ۱۰۰ قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه").

^۱habitual nature

همچنین ممکن است دادگاه های عادی مواردی از نقض حقوق و آزادی های اساسی شهروندان بوسیله قانون را در طی رسیدگی شان کشف کنند. اگر این موضوع پیش بیاید، دادگاه مربوطه از دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه درخواست بررسی مطابقت قانون مورد بحث با قانون اساسی را می کند (پارگراف ۴ اصل ۱۲۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه، اصل ۱۰۱ قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه"). هنگامی که دادگاه از این طریق تصمیم به ارجاع موضوعی به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه بگیرد، رسیدگی در این مورد یا اجرای رأیی که بوسیله دادگاه بازگردانده شده است، معلق گردیده و موکول به تصمیم دادگاه قانون اساسی می شود (ماده ۱۰۳ قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه"). نتایج قانونی تصمیم اتخاذ شده توسط دادگاه قانون اساسی همانند نتایج قانونی تصمیم آن دادگاه در مورد شکایت هایی است که بوسیله شهروندان علیه نقض حقوق و آزادی های اساسی شان اقامه شده است.

بر طبق قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه"، دادگاه قانون اساسی ۷ دعوی را در سال ۱۹۹۵ در خصوص ادعای نقض حقوق و آزادی های اساسی شهروندان بوسیله قانون، مورد بررسی قرار داد، پنج شکایت از سوی اشخاص حقیقی صورت گرفته بود، یکی بوسیله اتحادیه کارگری و دیگری بوسیله یک دادگاه محلی، آراء دادگاه قانون اساسی درباره این موضوع ها بر این مبنا طرح ریزی شده بود که تبعیض در حقوق مدنی، حقوق مستأجرین و حقوق کار و حقوق شکلی شهروندان را لغو نموده و حمایت از حقوق و آزادی های شهروندان را بر طبق ماده ۴۶ قانون اساسی روسیه تضمین نماید.

مشکلاتی چند در ارتباط با حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین شهروندان بوسیله دادگاه قانون اساسی پدید می آید.

۱- حقوق و آزادی های اساسی شهروندان نه تنها بوسیله دادگاه قانون اساسی بلکه همچنین بوسیله تمام دادگاههای دیگر - دادگاههای عادی، دادگاههای داوری و غیره ... - تضمین شده است که مانند دادگاه قانون اساسی مستقل هستند و تنها تابع قانون اساسی و قانون فدرال هستند (اولین پارگراف از ماده ۱۲۰ قانون اساسی فدراسیون روسیه). از آنجایی که قانون اساسی فدراسیون روسیه نفوذ و اعتبار قانون برتر و تأثیر مستقیم دارد و در تمامی قلمرو فدراسیون روسیه قابل اجرا است (پارگراف ۱ ماده ۱۵ قانون اساسی)، مشکل صلاحیت میان دادگاه قانون اساسی و دیگر دادگاه ها، در جهت توسعه ساز و کاری که ناهمسازی های احتمالی در جهاتی که معیارهای و استانداردهای اساسی اجرا می شوند را از بین ببرد، نیازمند بررسی های جدی بر مبنای قوانین معتبر در حال اجرا می باشد. جو و محیطی از فهم و همکاری متقابل باید در چهارچوب این نظام به نام دفاع از حقوق بشر ایجاد شود.

دادگاه قانون اساسی دادگاه استیناف یا دادگاه عالی ناظر بر دیگر دادگاهها نیست. دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه تنها موضوع های حکمی را بررسی می کند. در احقاق حقوق مبتنی بر قانون اساسی، دادگاه قانون اساسی از احراز و بررسی اوضاع و احوال واقعی دعوی، هنگامی که در صلاحیت دیگر دادگاه ها و هیات ها است، خودداری می کند (پاراگراف ۲ و ۳ ماده ۴ قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه"). دادگاه قانون

اساسی قدرت منحصر به فرد تشخیص و تمیز تطابق قوانین با قانون اساسی می باشد. تمام مقررات و اسناد دیگر (تصویب‌نامه های رئیس جمهور و تصمیمات حکومتی و غیره ...) بطور کاملاً مستقلی بوسیله هر دادگاهی در ارتباط با انطباق با مقررات قانون اساسی راجع به حقوق و آزادی های شهروندان مورد بررسی قرار می گیرد، درست همان طوری که مسأله اعمال مستقیم مقررات قانون اساسی و قانون فدرال به شیوه ای کاملاً مستقل حل و فصل می شود.

۲- حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین بوسیله دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه، به علت طبیعت و خصلت فدرالی دولت روسیه، در بردارنده ویژگیهای نهادی و خاص می باشد. بر طبق ماده ۷۱، پارگراف (C) قانون اساسی فدراسیون روسیه، "فدراسیون روسیه صلاحیت نظم بخشی و حمایت از حقوق و آزادی های بشر و مدنی؛ شهروندی در فدراسیون روسیه؛ و نظم بخشی و حمایت از حقوق اقلیت های ملی را دارد". و بر طبق پارگراف ۱(b) ماده ۷۲ قانون اساسی، "حمایت از حقوق و آزادی های بشر و مدنی، حمایت از حقوق اقلیتهای ملی و حفظ قانون و نظم و امنیت عمومی" در حد صلاحیت مشترک فدراسیون روسیه و توابع فدراسیون مزبور قرار می گیرد. تشابه میان این متون اشاره به لزوم تعریف روشنتری از اختیارات و صلاحیت های خود دولت و توابع فدراسیون مزبور در ارتباط با نظم بخشی و حمایت از حقوق و آزادی های شهروندان روسی و تعریف روشنی از صلاحیت دادگاه عادی و دادگاه قانون اساسی در سطح فدراسیون و بخشهای تشکیل دهنده اش دارد.

دعوی که بوسیله دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه راجع به تطابق یا عدم تطابق پارگراف ۲ ماده ۴۲ قانون جمهوری چواش^۱ (تفسیر ۲۶ آگوست ۱۹۹۶)، که حاکم بر انتخابات اعضای شورای دولتی (پارلمان) جمهوری چواش بود و به درخواست رئیس جمهور جمهوری مزبور مورد بررسی قرار گرفت، از اهمیت ویژه ای در این زمینه برخوردار است. ماده ای از قانون مزبور بر خلاف قانون اساسی فدراسیون روسیه اعلام گردید و در حالیکه انتخابات در حال انجام بود مورد اصلاح قرار گرفت که منتهی به نقض اصل برابری حقوق انتخاباتی شد. از آنجایی که قبول این قانون تنها در صلاحیت جمهوری چواش بعنوان بخشی از فدراسیون روسیه قرار می گیرد، تأیید مطابقت آن با قانون اساسی جمهوری چواش، به عقیده ما، مربوط به دادگاه عالی جمهوری چواش می باشد (تازمانی که جمهوری مزبور صاحب دادگاه قانون اساسی شود). تنها بعد از اینکه تمامی راهکارهای ممکن به پایان رسید، رئیس جمهور جمهوری چواش می توانست موضوع را به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه، جهت بررسی ماهوی ارجاع دهد. این آن چیزی است که می توان آنرا نمونه ای از "جهش بی موقع"^۲ نامید.

۳- برقراری دوباره حقوق و آزادی های نقض شده شهروندان مشکلات جدی را مطرح می کند، بخشی به این علت است که دولت فاقد وسایل لازم و منابع مالی است و بخشی بخاطر حرکت کند پارلمان در ایجاد اصلاحات و الحاقات لازم در قانون می باشد. رأی ۱۵ ژوئن ۱۹۹۵ دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه در دعوی اقامه شده

^۱Chuvash Republic

^۲Jumping the gun

بوسیله شهروندان "شولجنکو"^۱ و "مازانف"^۲ در این زمینه نهادی و خاص می باشد. رأی مزبور حکم ۲۷ ژانویه ۱۹۹۵ را که اعلام می داشت اقدام قانونی محدود کننده دوره جبران غیبت اجباری از کار در موارد اخراج غیر قانونی بر پایه مقررات پاراگراف ۲ ماده ۲۱۳ قانون کار فدراسیون روسیه، مخالف قانون اساسی است، تأیید و ابرام می کند. دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه دریافت که رأی ۲۷ ژانویه ۱۹۹۳ آن دادگاه به مرحله اجرا در نیامده است. دادگاه همانند گذشته بر طبق مقررات پاراگراف ۲ ماده ۲۱۳ قانون کار فدراسیون روسیه جبران خسارت یکسال را اخذ می کردند، هرچند دوره غیبت اجباری شهروند "شولجنکو" از کار تقریباً چهار سال و شهروند "مازلف" ۱۲ سال بود. پارلمان فدراسیون روسیه اصلاحات لازم در قانون کار را ایجاد نکرده بود. نکته سوم از رأی دادگاه قانونی اساسی فدراسیون روسیه مقرر می دارد: مجلس فدرال روسیه بر اساس اصول ۴۶ و ۵۳ قانون اساسی فدراسیون روسیه باید شرایط باز تعریف مؤثر حقوق و جبران خسارت های وارد شده بر اشخاصی که بطور غیر قانونی اخراج شده اند را معین کند، چرا که دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه مجاز به اصلاح آنها نمی باشد". با این وجود هیچ تضمینی وجود ندارد که این درخواست در آینده نزدیک مورد بررسی قرار بگیرد. از قرار معلوم راهکار بخردانه این است که در قانون اساسی فدرال راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه یا در دیگر قوانین تضمین دیگری مقرر گردد مبنی بر اینکه تصمیم ها و آراء دادگاه قانون اساسی روسیه در عمل بوسیله قانونگذار تکمیل شود.

حمایت دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه از حقوق و آزادی های اساسی ممکن است بطور غیر مستقیم [با درجات مختلف تأثیر و کارآیی] هنگامی که دادگاه مزبور انواع دیگری از دعاوی را بررسی می کند، برای نمونه وقتی که تطابق یا عدم تطابق اسناد و معاهده های بیان شده در پاراگراف ۲، پاراگراف های فرعی (e)، (d)، (c)، (b)، (a) ماده ۱۲۵ قانون اساسی را مورد بررسی قرار می دهد؛ و یا هنگامی که حل اختلاف های میان سازمان های دولتی راجع به مقام مسوول بیان شده در پاراگراف ۳، پاراگراف های فرعی (c)، (b)، (a) ماده ۱۲۵ قانون اساسی را بررسی می کند و یا هنگامی که قانون اساسی را تفسیر می کند (پاراگراف ۵ ماده ۱۲۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه) بدست آید.

تقریباً تمام دعاوی که بوسیله دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه مورد رسیدگی قرار گرفته است به شکلی به حمایت از حقوق و آزادی های سیاسی شهروندان مربوط بوده است. دادگاه قانون اساسی در بررسی همه انواع دعاوی، کنش و عملش را بر مبنای مقررات متون قانونی بین المللی راجع به حقوق بشر بنا می نهد، از این رو دادگاه مزبور قادر است هنگامی که دعاوی را بر اساس قانون اساسی مورد بررسی و داوری قرار می دهد، به ارزش ها و معیارهای دمکراتیکی که جامعه جهانی به رسمیت شناخته است، توجه نموده و احترام بگذارد.

^۱Chouljenko

^۲Mazanov

رأی ۳۱ جولای ۱۹۹۵ دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه دربارهٔ به اصطلاح "مسأله چین" راجع به تطابق یا عدم تطابق ۳ تصویبنامه رئیس جمهور فدراسیون روسیه و تصمیم دولت فدراسیون روسیه بر این قرار گرفت که در سالهای ۱۹۹۱-۴ در قلمرو جمهوری چین، بخشی از فدراسیون روسیه، نقض گستردهٔ حقوق بشر وجود داشته است؛ تدابیر اتخاذ شده توسط رئیس جمهور و دولت فدراسیون روسیه به همراه استفاده از نیروهای نظامی، که در جهت حفظ یکپارچگی حکومت روسیه و تضمین حقوق و آزادی های شهروندان طراحی شده بود، منجر به مواردی از نقض مفاد پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ژنو (۱۲ آگوست ۱۹۹۴) درباره حمایت از قربانیان محاصرات داخلی غیر بین المللی گردید (پروتکل ۲).

رأی دادگاه قانون اساسی تأیید نمود که دستور دولت مزبور مجموعه ای از حقوق و آزادی های اساسی را زیر پا گذاشته است و تأکید کرد که بویژه "بر طبق ماده ۵۲ و ۵۳ فدراسیون روسیه و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲، پارگراف ۳) می بایست ابزار کارآمدی برای حمایت قانونی از شهروندان در مقابل همه تجاوزها، جرایم و سوء استفاده از قدرت، و جبران خسارت قربانیان، برای هر خسارتی که متحمل شده اند، تهیه و تدارک شود. رویدادهای مربوطه و اقداماتی که توسط رئیس جمهور و دولت فدراسیون روسیه در استفاده از نیروی نظامی در جهت حل مشکل داخلی جمهوری چین صورت گرفت (که منتهی به زیر پا گذاشتن اساسی حقوق بشر شد) به شکل خیلی روشن تر در آراء و نظرهای شخصی چند از قضات دادگاه قانون اساسی (از جمله نویسندهٔ این گزارش) مورد تفسیر قرار گرفت.

جنبه های زیادی از کار دادگاه قانون اساسی یا به بیان دقیق تر، دبیرخانهٔ دادگاه قانون اساسی وجود دارد که نباید فراموش شود.

در حال حاضر فهم روشنی در جامعه روسیه از ماهیت دادگاه قانون اساسی، جایگاه آن در نظام قضایی، قدرت آن و صلاحیت ها و عدم صلاحیت های آن وجود ندارد. فقدان آشنایی با نظام قضایی در بین کارمندان دولت و مردم معمولی بخشی از میراث گراف و گران رژیم تمامیت خواه است. شهروندان اغلب دادگاه قانون اساسی را بعنوان دادگاه عالی رسیدگی، استیناف با نظارت تلقی می کنند (که منجر به تعداد زیادی استیناف خواهی شده که این خود منجر به انحراف دادگاه از وظایف اصلیش می شود). در پژوهش خواهی آراء دادگاه در نزد دادگاه قانون اساسی، مردم خواستار بازبینی واقعیت پرونده هستند، امری که دادگاه قانون اساسی ممنوع از انجام آن است.

هزاران پژوهش خواهی از این نوع از دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه درخواست گردیده که بوسیله کارشناسان سازوکار دادگاه مورد بررسی قرار می گیرد و گزارش های پیچیده ای را در پی دارد؛ در بسیاری از موارد، پژوهش خواهی ها به هیأت های صالحه برای بررسی مجدد ماهیت دعوی ارسال می شود.

همهٔ این نکته ها اشاره به مشکل دیگری دارند: نیاز جدی به آموزش کارمندان دولت و مردم در سطح وسیع دربارهٔ نقش دادگاه قانون اساسی در حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین.

^۱Chechnya Affair

روسیه بیش از پیش نیازمند نظام قضایی کارآمد و مستقل مبتنی بر قانون اساسی است. رعایت دقیق قانون اساسی فدراسیون روسیه و قانون اساسی فدرال "راجع به دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه" تضمینی است که دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه به حمایت از اصول احترام به حقوق و آزادی های بشر، حاکمیت قانون و قانون اساسی که بوسیله جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده است، ادامه دهد.